



بانوان افتخار آفرین ایران زمین

صدای جاودانه دختران ایرانی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۱۱ بهمن ۱۳۹۱ ۴۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

صدای جاودانه دختران ایرانی سواره نظام مهرداد نخست، خسته از جنگهای طولانی وارد شهر هیرکانی (گرگان) شد. آنها در شرق نیروهای بدوی و در غرب دمتریوس را شکست سختی داده بودند. مهرداد پادشاه اشکانی با لباسی ساده در شهر می چرخید و به گفتگوهای مردم گوش می داد نیم روزی که گذشت به گوشه دیواری تکیه داد تا خستگی از تن بدر کند از پنجره کوچک بالای سرش سخنان دخترانی را می شنید حرف های آنها با صدای فرش بافیشان به هم آمیخته بود. برای خواندن ادامه مطلب به ادامه مطلب بروید یکی از آنها می گفت مهرداد اگر سخت است فر



صدای جاودانه دختران ایرانی

سواره نظام مهرداد نخست ، خسته از جنگهای طولانی وارد شهر هیرکانی (گرگان) شد .

آنها در شرق نیروهای بدوی و در غرب دمتربوس را شکست سختی داده بودند .

مهرداد پادشاه اشکانی با لباسی ساده در شهر می چرخید و به گفتگوهای مردم گوش می داد نیم روزی که گذشت به گوشه دیواری تکیه داد تا خستگی از تن بدر کند از پنجره کوچک بالای سرش سخنان دخترانی را می شنید حرف های آنها با صدای فرش بافیشان به هم آمیخته بود .

برای خواندن ادامه مطلب به ادامه مطلب بروید

یکی از آنها می گفت مهرداد اگر سخت است فرزندی دارد دلنرم . مهرداد با شمشیر پیمان بسته پس فرزند نرم خوی او با خرد و هوش دوستی کند .

دختر دیگر گفت : آنکه پایه دستگاه دودمان را می ریزد نمی تواند نرم خو باشد او باید همانند پی ساختمان سخت و آهنین باشد پس جبر بر سختی اوست .

و دختر کوچکتری که صدایش بسیار ضعیف می نمود ادامه داد : آنکه بر این زمین سخت ساختمان می سازد و خود نمایی می کند از جنس زیبایی است و زمین سخت را به آسمان می برد .

مهرداد تکانی خورد با خود گفت چطور چنین دختران دانایی در این مرز و بوم زندگی می کنند و او خود نمی داند .
آن شب تا به پگاه خورشید مهرداد اشکانی ، نخستن پادشاه دودمان اشکانیان در تمام مدت به حرفهای آنها اندیشید .

در وجود خود سختی و قدرت پی ساختمان دودمان را می دید و در وجود فرهاد دوم (فرزندش) دانایی و هوش بنای ساختمان را .

آن سه دختر به ریشه ها پرداخته بودند و مهرداد از این بابت در شگفت بود . به گفته ارد بزرگ اندیشمند برجسته ایرانی : پرداختن به ریشه ها ، کار ریش سفیدان و اهل دانش است . فردای آن روز پادشاه ایران با تنی چند از نزدیکان به خانه ای که روز پیش ندا از آن شنیده بود رفت و با شگفتی دید آن خانه متروکه است از همسایگان پرسیدند و آنها گفتند سال ها پیش در این خانه مرد و زنی بودند با سه دختر که فرش می بافتند هر سه دانا و از شاگردان ورتا (حکیم و دانشمند زن ابتدای دودمان اشکانیان) . بدست مزدوران آندراگوراس یونانی به خاطر آنکه

مدام از بازگشت ایران و نجات از دست خارجی‌ان یونانی سخن می‌گفتند هر پنج نفر آنها را زنده زنده در کف همان خانه در گودالی کشتند .

مهرداد با شنیدن این سخنان ، بر آبادی آن خانه همت گمارد و آن خانه را مدرسه نمود در حالی که موبدان زرتشی اصرار بر آن داشتند که آن خانه آتشکده گردد و مهرداد نپذیرفت و گفت جای آتشکده در کوهستان است نه میان مردم .

از آن زمان بزرگترین دانشمندان را برای تربیت و افزودن دانش فرهاد دوم بکار گرفت .

برای همین فرهاد دوم در بسیاری از نبردها قبل از جنگ پیروز شده بود چون با دانش پشت سر دشمن خویش را خالی و سپس با تکانی آن را فرو می‌ریخت .

فرهاد دوم برای ایجاد جنگ خانگی در سوریه (قسمت باقی مانده سلوکیان م *****) (دمتریوس را که توسط پدرش مهرداد اسیر شده و در زندان بود را رها کرد تا میان دو برادر نبردی درگیرد.

گفتنی است که ظلم و ستم سلوکیان بر مردمان تحت انقیادشان موجب شد که مردم تحت ستم سلوکیان به فرهاد گرویدند. آنتیوخوس برای گرفتن انتقام شکستها و اسارت خود با سپاهی گران به ایران آمد، ولی فرهاد به او فرصت نداد ناگهان بر او تاخت و در هنگام جنگ پادشاه سلوکی کشته شد.

از این پس سلوکیان یونان دیگر به خود اجازه ***** به حریم ایران را ندادند. انحطاط کامل دولت سلوکی از همین زمان آغاز گردید.

درد بر روان تمام دلیر مردان و شیرزنان ایران زمین

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «صدای جاودانه دختران ایرانی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1098/pdf/صدای-جاودانه-دختران-ایرانی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹